



۲۰۱۷/۱۱/۲۵



استاد ظریف امین یار

نبیل از کدام درد می نالد؟

دولتداری در افغانستان آنقدر سیاست زده است که حتی مقاماتی که باید به هیچ وجه سیاسی نشوند، را نیز سیاسی می سازد. عموماً دولتها برای اینکه منافع ملی آن متاثر از کشمکش های سیاسی نگردد؛ سعی می کنند قضا، اردو، پولیس و بصورت ویژه «امنیت و استخبارات ملی» خود را از سیاست زده گی دور نگهدارند. اما چون در افغانستان هنوز هم پایه های نظام مستحکم نیست و در کل نظام نوپا است بناً بالعموم «سیاست زدگی» در هر عرصه ؛ «دولتداری» را در افغانستان تحت شعاع خود قرار داده است.

باتاسف فرآوان که در افغانستان نه تنها قضا بلکه امنیت ملی کشور نیز سیاست زده است و حتی برای بعضی اعضای ارشد این نهادها، منافع حزبی، گروهی، سمتی، و ملیتی از منافع ملی کشور اصالت دارد. مثلاً «امرالله صالح و رحمت الله نبیل» (راسای پیشین امنیت ملی افغانستان) هر دو خلاف اصول و ارزشهای امنیت ملی و بدون منافع ملی کشور غالباً برای بدست آوردن قدرت و یا هم منافع مادی به میدان های سیاسی حزبی، سمتی، و قومی سقوط نموده اند.

کارمندان ارشد امنیت ملی افغانستان «پاسدار منافع ملی و اسرار» کشور می باشند بناً به هیچ عنوان نه در جریان و نه هم بعد از وظیفه شان باید در «جریانهای سیاسی» قرار گیرند که باعث افشای اسراری گردد که در نهایت منافع کشور را خواسته یا ناخواسته صدمه وارد کنند. سیاست امروزی بدون شک که به مرور زمان انسان را مبدل به یک موجود «فرصت طلب و قدرت طلب» می کند و وقتی انسان در چنین حالتی قرار گیرد می تواند برای منافع سیاسی از منافع ملی کشور نیز عدول کند. بروز این وضعیت در حد یک احتمال نیست بلکه عموماً تحقق می یابد.

اکنون می خواهم توضیح بدهم که جناب نبیل از کدام درد می نالد؟ اولاً لازم به گفتن است که سکوت شکنی بعد از نزدیک به چهار سال جناب نبیل و شروع به فعالیت های سیاسی و افشاگری های دیر هنگام آن در ذات خود آغاز یک «کمپاین انتخاباتی و سیاسی» است. اینکه جناب نبیل در انتخابات آینده بسوی کی می رود معلوم نیست اما ظاهراً او یا که به یک جریان غرب محور و یا هم یک جریان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

جهادی به رهبری داودزی / استاد سیاف و یا استاد عطا خواهد رفت. بناً افشاگری های جناب نبیل را بعنوان آغاز کمپاین برای «محور» می توان تلقی کرد.

ثانیاً منطق اظهارات جناب نبیل از سخنرانی او بخوبی قابل استنباط است. جناب نبیل گفت که جناب کرزی در انتخابات ۲۰۱۴ به نفع جناب داکتر غنی رفت در حالیکه ایشان اراده ایالات متحده آمریکا و رای مردم افغانستان را در این قضیه نادیده می گیرند. اگر چنین قضاوت شود که جناب داکتر غنی تولید حمایت جناب حامد کرزی است کاملاً «بدور از منطق سیاسی و عدالت» خواهد بود. چون جناب کرزی هیچگاه از جناب داکتر غنی حمایت قاطع نکرده است. حتی وقتی که جناب داکتر غنی وزیر مالیه و یا رییس پوهنتون کابل بود جناب کرزی هیچگاه از او حمایت قاطع نکرد. اما من سپردن مسوولیت «کمیسون انتقال مسوولیت های امنیتی از نیروهای بین المللی به نیروهای امنیتی داخلی» به جناب داکتر غنی را بعنوان فراهم کردن فرصت «کمپین انتخاباتی» برای جناب داکتر غنی رد نمی کنم اما به یقین ثابت می توان گفت که این کار تولید ایالات متحده آمریکا بود نه جناب کرزی. من حتی از مخالفت جناب کرزی با آمریکا در این مورد اطلاعات دقیق با خود دارم.

ثالثاً در این هیچ شکی وجود ندارد که انتخابات ۲۰۱۴ مملو از «تخطی و تقلبات گسترده انتخاباتی» بود اما این تقلبات قطعاً تنها متعلق به تیم «تحول و تداوم» نبود بلکه تیم «اصلاحات و همگرایی» نیز مساویانه شامل این تقلبات فاحش انتخاباتی بود. برای تصدیق این سخن کافی است که گزارشهای نهادهای بین المللی را در مورد تقلبات انتخاباتی سال ۲۰۱۴ مرور کنیم. برای اقتضای بحث اگر قبول نیز کنیم که واقعاً این همه تقلبات توسط جناب کرزی و جناب داکتر غنی طرح ریزی شده بود پس جناب نبیل آن زمان چرا جلو این وضعیت را نگرفت و یاهم دست کم اگر جلوگیری از آن وضعیت دشوار بود می توانست اظهارات فعلی را آن زمان در افشانی می کرد. حالا که پیامد سهل انگاری و عدم تعهد جناب نبیل منتج به تولید یک «حکومت مسخره» است اظهارات آن چه دردی را دوا خواهد کرد. آیا سکوت نبیل بعنوان رییس امنیت ملی کشور قابل توجیه است؟ هرگز نه

از جناب نبیل بپرسید که چرا «خاینان ملی» که یک پروسه را سبوتاز کردند، را دستگیر نکردید؟ و چرا آن زمان اولویت ملی را درک نکردید؟ اگر در این راه جان تان را نیز فدا می کردید، مشکلی نداشت اما امروزه ما شاهد یک حکومت «دموکراتیک و یک سره» می بودیم؟ حالا که دوره رییس جمهور داکتر غنی به پایان میرسد، اظهارات شما در صورتیکه برحق هم باشد چه دردی را دوا خواهد کرد؟

من بعنوان جملات پایانی ام می خواهم خاطر نشان کنم که نه تنها در گذشته جناب کرزی در تلاش بود که داکتر غنی به ریاست جمهوری نرسد بلکه اکنون نیز به شدت در تلاش است تا این حکومت را سبوتاز نماید. امروزه نیز دغدغه های «لویه جرگه» که بعنوان یکی از عناصر اساسی مقاومت با

حکومت رییس جمهور داکتر غنی در حال حاضر مطرح می گردد، را جناب کرزی طرح می کند. البته ناگفته نماند که خط و ارزشهای سیاسی جناب داکتر غنی از خط و سبب ارزشی جناب کرزی و مجاهدین همراهش کاملاً متفاوت است. رییس جمهور داکتر غنی یک «تکنوکرات لیبرال و ماکیالوست» است این درحالی است که جناب کرزی و تیم مجاهد آن «پوپولیست رادیکال فسادگر» است. بناً اینها بر محور ارزشی هیچگاه باهم جور نخواهند آمد اما فقط می توانند بر محور منافع متحد شوند. شما ملاحظه کنید حلقه اصلی مخالفت‌های داخلی در برابر حکومت داکتر غنی و داکتر عبدالله همان جناب کرزی و حلقه‌های زیرنفوذ آن است. بنابراین دلایل است که انسان به این نتیجه می رسد که اظهارات و افشاگری های جناب نبیل بخاطری ملت نه بلکه بخاطر منافع سیاسی حلقه سیاسی اش بود.

باحرمت

امین یار

کالیفورنیا، ایالات متحده آمریکا

۲۱ نومبر ۲۰۱۷

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ